

یادداشت روز

بهران‌های معجزه‌ساز

و یک هشدار جدی!

شاید برای عده‌ای باور کردنی نباشد اما ما مسلمانان به معجزه عادت داریم. بسیاری از تحولاتی که با هدف براندازی یا تضعیف جمهوری اسلامی ایران از آن سوی آب‌ها برپا می‌رود و با هزینه‌های سنگین تدارک دیده شده‌اند، یکی پس از دیگری به در بسته می‌خورند. برخی با هوشیاری مردم و مسئولین، به برکت حضور نخبگانی همچون سردار سلیمانی، برخی به برکت خون شهدایی مثل حاجبجی و برخی نیز با اتفاقاتی شبیه به چیزی مثل… معجزه!

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بحران‌هایی به بزرگی «عاشق» و انواع و اقسام گروه‌های تروریستی تکفیری که طی ۶ یا ۷ سال‌های گذشته از سوی مراکز اطلاعاتی غرب از تراجاع و پروراز و بسته نمودن، مگر سقوط اکرند و به جان و ناموس مردم انداختند، کم بحرانی نبودند. مگر سقوط امام‌زاده عظیم موصل و نیمی از عراق در کسری از تاریخ رخ نداد؟! به قول یکی از سیاسیون عراقی، «شب خواندید، وقتی صبح بیدار شدید، موصل سقوط کرده بود.» جقدر طول کشید تا سوریه به جولانگاه تکفیری‌های وحشی و گروه‌های ترورسیستی تبدیل شود؟ کمتر از شش روز؟! بنشار آنکه جقدر به مانند امبدوار بود؟! مگر تروریست‌های تکفیری تا مرزهای کبشورمان که هیچ، به داخل تهران نیامدند؟! هدف نهایی تمام این بحران‌سازها را هم که قدم به قدم با مذاکرات هسته‌ای یا پیش می‌بردند؟ گفتند چیست؟ «مقابله با متحمان منطقه‌ای ایران برای تضعیف تهران»

ایران اما به کمک دوستانش کمز داغش و صاحبانش را یکجا شکست. افتخار نابودی داعش کم چیزی نیست که اگر بود امروز بین قدرت‌های بزرگ جهان بر سرر اینکه «چه کسی داعش را شکست داد؟» دعوا بین فرانس، آمریکا و انگلیس، همان متهمان ردیف اول پرونده داعش، حسادت‌وار به در و دیوار می‌زند تا این افتخار را از ایران و متحدانش بگیرند نام نمی‌توانند. موقعیتی که امروز ایران و مقاومت به برکت زمین‌زین داعش از بین مسیحیان، ایزدی‌ها، کردها و مسلمانان کسب کرده، چیزی نیست که می‌شد به این راحتی آن را پیش‌بینی کرد. امروز «بسج» به عراق و سوریه رسیده و این نیروی مسلح با ارزش و موثر به کمک از شش‌های کشورها می‌شود. امروز نشست‌های بزرگی با محوریت ایران و دوستانش در منطقه و جهان بر گزار می‌شود آن هم بدون حضور آمریکا. امروز سردار سلیمانی در بروجوه انتفاضه قدس، با فرماندهان نظامی فلسطین گفتگو و فرمانده نیروهای بسیج مردمی عراق از مناطق مرزی اسرائیل دیدن می‌کند. رسیدن به نقطه «حذف آمریکا از معادلات منطقه» و «مرزهای اسرائیل» آن هم با عبور از درچه داعش! معجزه نیست؟ داعشی که برای مهار ایران ساخته بودند!

منطقه عرب آسیا حتی چند سال گذشته بر بوده از این بحران‌ها. و معجزه، همانکه حقیقی یکی روز را هم در بدست سبیری نکرده. همه این بحران‌ها، یکی یکی می‌آیند و به در بسته می‌خورند. هنوز پس‌مانده‌های داعش چاره نداشتند که، بحران کردستان عراق تعلق می‌خورد، بجزارتی که به نجات می‌گفته، رهبران تجزیه طلبی عراق، زحمات ۲۵ ساله آنها را به باد داده و نفوذ ایران در منطقه را زیادتر می‌کند و کارستان اسرائیلی «کشور کردستان» را برای همیشه به محلی می‌برد. کارستانان مسئول تحلیل موضع کردستانی، «ایزدی‌ها علی عبدالله صالح» و «فتنه صنعا» از راه می‌رسد اما طرف کمتر از یک هفته این، با ارزش ترین مهره امارات و آل سعود، به خاطر حماقت بن سلمان می‌سوزد و الحوثی‌ها در موضعی به مراتب برتر فر می‌دهد. کار، جایی می‌رسد و عربستان جاسوس ایران است:

«در یمن چنین شایع شده که محمد بن سلمان مامور مخفی ایران است. به این سبب که هر آنچه را که در طول سه سال گذشته انجام داده، بیشتر به نفع ایرانیان تمام شده است. یکی از مهم‌ترین این اقدامات جنگ فاجعه‌آمیز در یمن است. شگفت اینکه خطر ایجاد وضعیتی وجود دارد که عربستان از آن می‌هراسد: ایجاد شبه حکومتی مانند جزیره‌الکاتمنند و مصمم تحت نفوذ ایران در مرز جنوبی عربستان.»(امریکن کازنرویتو، آورمه ۹۶)

حالا هم بحرانی بزرگ تازه‌ای از راه رسیده که هیچ بعید نیست، دودمان رژیم صهیونیستی را به باد دهد: اعلام قدس به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی از سوی دونالد ترامپ! این بحران هم می‌تواند مثل بحران‌های دیگر به در بسته بخورد و برکات عظیمی به همراه آید. این بحران اگرچه کمتر از یک هفته عمر دارد اما در همین یک هفته، برکات عجیبی داشته که با حفظ هوشیاری فلسطینی‌ها و رهبران جهان اسلام، می‌توان امبدوار بود. کلک صهیونیست‌ها با همین بحران کنده شود. اما به شرط‌ها و شروطها!

با گذشتن قدس و سرزمین فلسطینه به صدر اسلام، رسوا شدن کشورهای مرتجع عربی حاشیه خلیج فارس، انزوال عجیب آمریکا و عربستان، آغاز انتفاضه چهارم، افزایش نفرت از آل سعود در منطقه، هوا شدن فتنه شیعی و سنی و… از جمله مواردی هستند که به نوشته کارشناسان ملی همین یک هفته گذشته و به دنبال حماقت ترامپ درباره قدس به نفع ایران، مقاومت و متحدانش حاصل شده و به گفته سید حسن نصرالله، در نهایت می‌تواند باعث نابودی اسرائیل شود. «هن با تمام اطمینان و ایقین می‌گویم، تصمیم ترامپ آغاز پایان اسرائیل خواهد بود.»

نکته مهم اما، حفظ هوشیاری است! این نکته اولین و آخرین شرط تحقق این هدف است؛ چگونه؟ بخوانید:

دیروز سران برخی کشورهای اسلامی و غیر اسلامی در اسلامبول برای محکوم کردن اقدام ترامپ در به رسمیت شناختن قدس به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی دو هم جمع شدند. کشورهای مثل ترکیه، اسرائیل و غیره در اسرائیل سفارت دارند! ناگهان رُستی انقلابی گرفته و اعلام کردند: «اسرائیل یک دولت ترورستی است» و اینکه «ترکیه، اسرائیل، را به عنوان یک کشور قبول ندارد.» برخی سیاست‌های منطقه‌ای دیروز اردوغان باور کردن مواضع ضد صهیونیستی را کمی سخت کرده است. اردوغان یک بار در سال ۲۰۰۹ و طی برگزاری اجلاس داووس حملات لفظی شدیدی را متوجه اسرائیل کرد. رئیس‌وقت قریح صهیونیستی کرد و این رژیم را به خاطر جنایات هولناکش در غزه «کودک‌کش» خواند. کشتی مرمره هم که برای کمک‌سانی به مردم مظلوم فلسطین راهی غزه شده بود، تر کبک‌ای بود. این سیاست‌های اردوغان در چنان بالا برد که عده‌ای نوشتند، محبوبیت او به بالاترین سطح رسیده است. اما رفتار وقت و با ظهور پدیده منحوس داعش، اردوغان روی واقعی خود را نشان داد و چنان به رژیم صهیونیستی نزدیک شد که همه آن محبوبیت را یک جا از دست داد. مواضع انقلابی دیروز اردوغان علیه اسرائیل شساید، تکرار همان ترفند برای بازگشت محبوبیت باشد. اما این فرضیه که اردوغان به دنبال جلب محبوبیت از دست رفته است، بسیار خوش‌بینانه است! دیروز موضع اصلی اردوغان در اجلاس اسلامبول، تقابوتی با موضع کشوری مثل عربستان یا برخی کشورهای اروپایی نداشت.

در بیانیه پایانی نشست اسلامیبول اعلام شده، کشورهای شسرت‌کننده در این اجلاس، «قدس شرقی» را به عنوان پایتخت فلسطین، به رسمیت می‌نشناسند! این یعنی «قدس غربی» یعنی اسرائیل بمبادا همان چیزی که موگرتی، ترامپ و حتی پوپین و نتانیاهو به بدت به دنبال آن هستند!راز تمام سر و صداهای اردوغان و حتی برگزاری چنین نشستی می‌تواند همین نکته باشد: تشکیل دو دولت اسرائیل و فلسطین و تقسیم دین بین آنها. این وضعیت را کنار تازش‌های علنی برخی مرتجعین عرب برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل بگذارید. در صورت تسلیم شدن مقاومت به طرح سعودی، صهیونیستی، امریکایی «به دولت» فلسطینی‌ها یک قدم بزرگ به عقب باز خواهند گشت، چرا که فلسطین منهای قدس، اصلا معنا و مفهومی ندارد! اسرائیلی‌ها قطعاً، در وهله بعد، بقصد قدس را هم خواهند گرفت. این خط و این هم نشان.

بودن امام دوازدهم و راهپیمایی‌های بین‌المللی و اصرار بر فلسطینی تأکید روی آنها، قطعا، این بحران را بیستس سر خواهند گذاشت و به برکتی به بزرگی «نابودی اسرائیل» و «آزادی فلسطین» تائل خواهند شد. تحقیق این هدف از درچه ترامپ، معجزه نیست؟ در احادیت امام معصومین آمده است که خدا دینش را روی سینه افراد فاسق تأیید می‌فرماید.

جعفر بلوری

بهران‌های معجزه‌ساز

و یک هشدار جدی!

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

اظهارات خانم موگرتی که خوشبختانه با پاسخ مستند عراقی روپرو شده است و وضوح از طرح مشترک آمریکا و اروپا برای تحمیل آنچه طی چند ماه اخیر دنبال آن بوده و تاگام مانده‌اند حکایت می‌کنند. توضیح آنکه آمریکا و اروپا به دنبال شکست‌های بی‌دریی خود در منطقه که حضور مقتدرانه ایران عامل اصلی آن بوده است، پیشنهاد ادامه مذاکرات با هدف گنجاندن موضوع موشکی کشورمان در برجام را مطرح کرده و بر آن پافشاری کردند.

این پیشنهاد مذبذبه با قاطعیت و سوی ایران یرد شده و اعلام گردید که مسایل موشکی کشورمان قابل مذاکره نیست. ادعای خانم موگرتی که با حالتی زاگونه مطرح شده تا برد و تاثیر بیشتری داشته باشد! تکرار این ادعای بی‌پایه و اساسن ترامپ است که با استناد به جمله مردارشااره در مقدمه برجام در بی آن بود که مسایل منطقه‌ای ایران را هم به بخشی از برجام قلمداد کند! و حال آنکه به گفته مستند آقای عراقی: «متمن از برجام کاملاً مشخص است و هیچ ارتباطی به مسائل منطقه‌ای و جهانی ندارد و اینکه از یک جمله‌ای که معنی و مفهومی کاملاً مشخص است کسی بخوادد نقلی‌ها را دیگری بکند حتماً پذیرفتنی نیست.»

عراقی در پایان نشست موگرتی مشترک برجام در در داداش کمیونی گفت: در برجام یک جمله‌ی وجود دارد و آن اینکه اجزای کامل برجام می‌تواند در یک صلح و امنیت منطقه‌ای و جهانی مشارکت کند.

وی افزود: اولاً اجزای کامل هنوز شده و بعد از ۰ اسال است، وقتی که همه تحریم‌ها به صورت کامل لغو نشد و دو طرف در طول ۱۰ سال نتوانستند به همه تعهدات خود پایبند بوده و توانستند نشان دهند که برجام یک تجربه موفق می‌تواند است. البته این موقع نادر است اما کرد که برجام در صلح جهانی مشارکتی را انجام داده البته فکسر می‌کند که برجام همین الان در یک منطقه پر آشوب خاورمیانه را یک مشکل را حل کرده و یکی از مشکلات را کمتر کرده

خودبخود در صلح منطقه مشارکت کرده است. عراقی همچنین تصریح کرد: به نظرم این قبیل اظهارات تا حدی هم لفاظی است، قبلاً آقای ترامپ در خصوص این مسئله مانورهای داده بود.

ادعای موگرتی

«فردیکا موگرتی»، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در جلسه‌ای پارلمان اروپا ادعا کرده بود که که در بخش مقدمه (PREAMBLE) توافق هسته‌ای ایران «بنیم‌حملای» با این مضمون وجود دارد که خواستار قرار دادن برجام به عنوان زیربنایی برای تعامل سازمان در منطقه است. او گفت که این جمله به درخواست ایران در بخش مقدمه برجام گنجانده شده است.

وی گفت: «در بخش مقدمه این توافق ۱۰۴ صفحه‌ای، نه در یکی از بندهای ۱- من الان آن را حفظ ندهم- یک ارجاع در حد یک نیم‌جمله با این مضمون وجود دارد: این توافق برجام به عنوان زیربنایی برای تعامل با این مضمون وجود دارد: این توافق برجام کاملاً مشخص است و هیچ ارتباطی به مسائل منطقه‌ای و جهانی ندارد و اینکه از یک جمله‌ای که معنی و مفهومی کاملاً مشخص است کسی بخوادد نقلی‌ها را دیگری بکند حتماً پذیرفتنی نیست.»

مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در ادامه اظهارات خود در پارلمان مدعی شد دولت ایران قصد داشته از توافق هسته‌ای با گروه ۵+۱، در آن توافق منتهای سیاسی خود با چارچوب منازعه سیاسی خود یا سایر موضوعات منطقه‌ای و امنیت منطقه‌ای و جهانی مشارکت کند.

موگرتی گفت: «پرا، مسئولان ایران در آن زمان- که همچنان هم روی کار هستند- قصد داشتند از این توافق به عنوان روشی برای درخواست خود پایبند بوده و توانستند نشان دهند که برجام یک تجربه موفق می‌تواند است. البته این موقع نادر است اما کرد که برجام در صلح جهانی مشارکتی را انجام داده البته فکسر می‌کند که برجام همین الان در یک منطقه پر آشوب خاورمیانه را یک مشکل را حل کرده و یکی از مشکلات را کمتر کرده

بهران‌های معجزه‌ساز

و یک هشدار جدی!

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

اخبار کشور

ترفند مشترک اروپا و آمریکا برای وارد کردن مسائل منطقه‌ای به برجام

عراقچی ادعای موگرتی را رد کرد

خودبخود در صلح منطقه مشارکت کرده است.

عراقچی همچنین تصریح کرد: به نظرم این قبیل اظهارات تا حدی هم لفاظی است، قبلاً آقای ترامپ در خصوص این مسئله مانورهای داده بود.

عراقچی همچنین تصریح کرد: به نظرم این قبیل اظهارات تا حدی هم لفاظی است، قبلاً آقای ترامپ در خصوص این مسئله مانورهای داده بود.

عراقچی همچنین تصریح کرد: به نظرم این قبیل اظهارات تا حدی هم لفاظی است، قبلاً آقای ترامپ در خصوص این مسئله مانورهای داده بود.

عراقچی همچنین تصریح کرد: به نظرم این قبیل اظهارات تا حدی هم لفاظی است، قبلاً آقای ترامپ در خصوص این مسئله مانورهای داده بود.

عراقچی همچنین تصریح کرد: به نظرم این قبیل اظهارات تا حدی هم لفاظی است، قبلاً آقای ترامپ در خصوص این مسئله مانورهای داده بود.

عراقچی همچنین تصریح کرد: به نظرم این قبیل اظهارات تا حدی هم لفاظی است، قبلاً آقای ترامپ در خصوص این مسئله مانورهای داده بود.

بهران‌های معجزه‌ساز

و یک هشدار جدی!

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا جبران‌ناپذیر، در نهایت به شکلی که تصور آن هم «محال» به نظر می‌رسند صصاد «هن حثیت لایحسب» شده و به برکات عجیب و غریبی ختم شده‌اند.

بسیاری از این بحران‌های «از آن طرف آب آمده» به زعم تحمیل هز بنه‌های بعضا ج